

از چغاگلان

تاوال استریت:

تاریخ شهرنشینی در جهان

«از چغاگلان تا وال استریت: تاریخ شهرنشینی در جهان» از کتب مستند و قابل ارجاع در حوزه تاریخ شهر و شهرسازی، روایتی است از تاریخ شهرهای جهان از نخستین سکونتگاه‌ها تا شهرهای امروز. چغاگلان نام دشتی در استان ایلام کنونی است که قدیمی‌ترین آثار یکجانشینی در جهان در آنجا یافت شده است. بر مبنای نظر باستان شناسان برای اولین بار در این دشت، انسان موفق به اهلی کردن گندم و جوشده است که شواهدی بر یکجانشینی محسوب می شود.

از آن زمان تاکنون، شهرها متاثر از نظام‌های مختلف فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تغییرات زیادی یافته‌اند. این مسیر پرماجر از آن جهت جالب توجه است که می‌تواند سناریوهای تحولات آینده شهرها را هم پیش چشم ما مجسم کند. به مناسبت انتشار کتاب «از چغاگلان تا وال استریت: تاریخ شهرنشینی در جهان» هجدهمین نشست از سلسله نشست‌های عصر شنبه‌های مجله یخارا به نقد و بررسی این کتاب اختصاص داشت. این نشست با همکاری

ویژگی های ایران فرهنگی در گفت وگو با میراحمد محیط طباطبایی

ایرانی ها در طول تاریخ «خام فروش» نبوده‌اند

فرهنگ ایرانی همواره برای همه اعمار پیام‌هایی ماندگار و جاودانه داشته؛ حفاظت از محیط زیست، صلح و آشتی، مبارزه با خشونت، ارزش گذاشتن و احترام به اندیشه انسان‌ها، همزیستی و همگرایی ملی و جهانی، ستایش اخلاق و معرفت انسانی و... چنین میراثی را چنین ویژگی‌هایی نیاز اصلی این روزهای همه مردم جهان است و راهکارهای جهانی‌کردن پیام‌های جاودان تمدن پویای ایرانی- اسلامی بخشی از دغدغه‌ها و پی‌جویی‌های این مجموعه گفت‌وگوهای جام‌جم بر فرهیختگان و اصحاب نظر است.

ما با دارا بودن گذشته‌ای بس پرافتخار و درخشان، کلید فتح آینده را در دست داریم و تنها با تکیه بر فرهنگ و تمدن مانا و پایدار ایرانی- اسلامی می‌توان تمدن نوین اسلامی را پدیدآورد. هم‌سخنی مان با استاد سیداحمد محیط طباطبایی در بازشناخت ایران فرهنگی است. در این فراز، بد نیست این سخن بودا را از زبان او بشنویم: آدم باید مانند گل نیلوفر باشد، نبردست اینجا با تلاق است؟ نیست؟ چیست؟ و شکوفایی گل‌هایش را ممکن کند. ما نیز در این میان با این کوشش و این دغدغه امیل سعی داریم تا جایی که می‌توانیم تغییر مثبت ایجاد کنیم. از یاد نبریم این خود مسیر است که مهم تلقی می‌شود نه رسیدن. در این مسیر دل‌نشان و روح پرور همراه‌مان باشد.

سیداحمد محیط طباطبایی، فرزند شایسته استاد میرمحمد محیط طباطبایی، مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در رشته منابع طبیعی و باستان‌شناسی و تاریخ دریافت کرد و هنوز جوای دانش و دانشجوی دوره دکتری رشته تاریخ است. با بیش از ۴۰سال سابقه تدریس و تحقیق، رئیس ایکوم ایران است، در این سمت با تدوین استراتژی‌های کلان و اجرای پروژه‌های متعدد در احیای مجدد موزه‌های ایران نقش داشته است. این کارشناس شناخته شده ۵۰سال معاون و مشاور رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بود. علاوه بر این بر پروژه‌های ملی، دانشگاهی و پایان نامه‌ها مشاوره و نظارت داشته است. وی قائم‌مقام پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ایران بود.

در خاتمه کلام، وی در برخی پروژه‌های ملی و بین‌المللی در یونسکو همکاری داشته و یکی از اعضای فعال ایکوم و کمیته‌های آن در سطح ملی و بین‌المللی است.



علی‌مظاهری

روزنامه‌نگار

۱ نخست از مختصات «ایران فرهنگی» با شمایل جغرافیایی، هویتی و تاریخی‌اش برای‌مان بگویید.

ما از واژه ایران که استفاده می‌کنیم، این نام معرف یک جغرافیای سیاسی یا بیانگر یک نژاد و یک زبان نیست. زیرا اگر به قلمرویی بنگریم که در آن پدیده ایران به‌عنوان یک فرهنگ (ایران فرهنگی) شکل گرفت، متوجه می‌شویم با یک سری مرز ذاتی روبه‌رویم. یعنی نقشه ماهواره‌ای این منطقه را که می‌بینیم درمی‌یابیم کوه‌های البرز و قفقاز و زاگرس و دریای مازندران نیز (ماوراءالنهر) فرارودان و کوه‌های هندوکش و... تا دریای عمان و خلیج فارس و... نشانگر گستره وسیع محدوده‌ای جغرافیایی است و اما هنگامی که فرهنگ‌های مختلف وارد این گستره شدند، تعامل این فرهنگ‌ها به یک خروجی انجامید که نام آن ایران است. ایران یعنی یک فرهنگ تاریخی که توسط اقوام مختلف در یک محدوده جغرافیایی با یک استمرار طولانی شکل گرفته است. ایران همچنان استمرار آن چیزی است که از دوران عیلامی‌ها تا امروز در چند هزار سال شکل یافته؛ به همین دلیل است که می‌گوییم آنچه در ایران باقی‌مانده و استمرار یافته استقلال فرهنگی است و این فرهنگ در تمام تاریخ حتی زمانی که استقلال سیاسی هم نداشتیم همچنان ادامه داشته و استمرار پیدا کرده است. بنابراین در اینجا باید پدیده زبانی و نژادی و قومی روبه‌رو نیستیم بلکه با یک روند فرهنگی روبه‌رو هستیم.

۲ وقتی به کشوری مثلا ایتالای امروز نگاه می‌کنیم با روم باستان ارتباطی ندارد یا یونان با عصر طلایی پریکلس یا مصر معاصر با عصر فرانسه برخلاف ایران؛ درست است؟

وقتی به کشوری مثلا ایتالای امروز نگاه می‌کنیم با روم باستان ارتباطی ندارد یا یونان با عصر طلایی پریکلس یا مصر معاصر با عصر فرانسه برخلاف ایران؛ درست است؟

می‌رود، تبدیل به فرش ابریشمی و پارچه ترمه بزدی و دیگر دستاوردها و موارد می‌شود که ما آن را می‌فروشیم و صادر می‌کنیم (به عبارت درست‌تر صادر می‌کردیم).

یا عشایر ایران! چنین نبوده که سویه کاروبار و زندگی‌شان صرفا برای دامداری و با هدف دامپروری باشد و پس تا گوشت و پشم و فراورده‌های دامی بفروشد.

بلکه دامداری می‌کردند تا خروجی دامداری‌شان فرش ایرانی باشد،

فرش، محصول دامداری بوده است. بنابراین یک نکته مهم این فرهنگ همین است که «خام فروشی» نداشته اما از حدود ۱۱۴ سال پیش که اکتشاف نفت به نتیجه رسید، دیدیم با خام‌فروشی نفت در ساختار فرهنگی‌مان تغییرات منفی ایجاد کردیم. به‌گونه‌ای که پیامد دردناک این تغییر را هم می‌بینیم یعنی روال خام‌فروشی به یک اصل تبدیل شده! همه چیز را می‌فروشیم! همین است که ما را از هویت خودمان، از ویژگی خودمان و در نتیجه از پویایی خودمان دور کرده است درحالی‌که اگر با فرهنگ ایرانی‌مان هماهنگ باشیم، این نفت باید پس از گذر از مراحل پتروشیمی و تبدیل به فراورده‌های گوناگون فروخته شود تا کار و شغل تولید کند.

۳ نمونه‌ای تاریخی از صنعت ایرانی و دستاوردهای آفرینشگرانه و البته تاثیرگذار ایرانیان در روزگار پیشین بفرمایید که هم درس عبرت باشد و هم

سرمشق امروزمان برای ادراک این مهم که بازیابی داشته‌ها و احیای پیشینه‌مان چقدر ضروری و لازم است.

کاشان را ببینید: در ابتدای دوران قاجار پس از شکست‌های قفقاز و بحران اقتصادی، این شهر توسعه یافت که این پیشرفت و آبادانی‌اش آن‌هم در قرن نوزدهم قیمت ابریشم را در اروپا همین شهر کاشان تعیین می‌کرده. بدین ترتیب از رهگذر نساجی، ثروتی به هم می‌زنند و ... مثلا این خانه‌های مشهور تاریخی کاشان که خانه حاکم و فرماندار نظامیان و سیاسیون نبوده بلکه خانه بازرگان و حکیم و... بوده و ایشان از طریق نساجی ثروت‌مند شده و زندگی‌شان را اداره می‌کرده‌اند.

۴ پس پرسش و پاسخ‌مان به اینجا رسید که ما با یک فرهنگ تاریخی روبه‌رویم پس مزیت‌ها و هویت آن فرهنگ را باید بشناسیم. با شناخت ویژگی‌های ایران فرهنگی درمی‌یابیم که این زیست در منطقه ایران فرهنگی همچنان دارای ظرفیت‌های والای تعامل و شرایط توسعه است!

به‌عنوان یک کادوی ویژه در اینجا می‌شود از سنتی ویژه سخن به میان آورد؛ نوروزا با این ویژگی که نه به قوم خاصی، نه به مذهب و نژاد خاصی و نه حتی به شکل برگزاری خاصی محدود نیست.

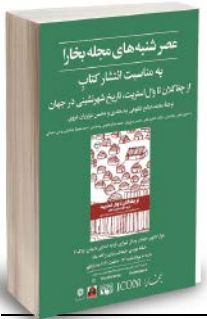
در روشنگری این سخن می‌توان به کریسمس اشاره داشت که در همه جا با یک درخت کاج (که از فرهنگ ایرانی در قرن ۱۶ وام گرفته شده) و پاپائوئل (برداشتی از حاجی فیروز با میزنوروز فرهنگ ایرانی] جشن گرفته می‌شود، یعنی در همه جافظ یک فرم واحد دارد.

اما در نوروز مثلا بلوچ ما هفت‌سین نمی‌چیند، در جاهایی حاجی فیروز هست و جاهایی نیست. نوروز در هرجایی ویژگی خودش را دارد ولی یک مفهوم فرهنگی هست که همه را با هم جمع می‌کند که نتیجه‌اش همزیستی و تفاهم و صلح میان مردم است.

۵ با توجه به مسئولیت شما در ایکوم، شورای بین‌المللی موزه‌ها، اسمال شعار موزه‌ها را «قدرت موزه» عنوان کرده، این قدرت چه تاثیر و کارکردی دارد آن‌هم در جهان آشفته امروز؟

بیان موزه‌ای، یکی از مهم‌ترین دلیل‌های قدرت موزه است که باید میان ملت‌ها و گروه‌ها، صلح و تفاهم و همزیستی ایجادکند. اگر موزه‌ها را

موسسه ایکوم و کافه مانا با حضور مرگان طاهری تفتی (مدرس شهرسازی در دانشگاه تهران)، محسن صبوربان (استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، عباس جهانپخش (استاد معماری دانشگاه هنر اصفهان)، محمد صالح شکوهی‌بهدندی (استاد شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران و مولف کتاب)، سیداحمد محیط طباطبایی و علی دهباشی در کافه مانا برگزار شد.



تشریح‌شده‌ای مجله یخارا

و به‌عنوان اولین نشست «ایرانی‌شناسی» در جهان

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و میراث فرهنگی ایران



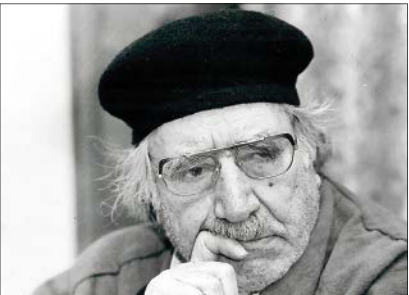
گفت‌وگو

دوشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۱ ■ شماره ۶۳۰۱

نگاه

پدر اندیشمند

زیست نامه سید محمد محیط طباطبایی



سید میرمحمد محیط طباطبایی به نسلی تعلق داشت که از میان آنان انسان‌های تاثیرگذار و فرهیخته بسیاری برخاستند و در ابعاد گوناگون بر جامعه ایرانی اثرگذار شدند. انقلاب مشروطه، مهم‌ترین اتفاق آن دوران بود و می‌توان محیط را فرزند دوره مشروطه دانست. این دوره ۲۰ساله در تکوین شخصیت استاد بسیار مؤثربود.

به گفته محمد محیط طباطبایی پس از پیروزی مشروطه تا دوران پهلوی اول، مردم در مواجهه با مسائل گوناگون خواهان قانون بودند و همین نگره عمومی در رشد شخصیتی جوانان آن دوران تاثیر روشنی داشت.

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت و شکل‌گیری محیط، مادرشان فاطمه‌خانم دختر سیدیوسف بود. پدرشان با آوردن علما و حکیمان به خانه خود در زواره به آموزش فاطمه پرداخت و وی را از علوم زمانه بهره‌مند ساخت. از جمله افراد مشهور که به زواره می‌آمد و برای فاطمه تدریس می‌کرد، جهانگیرخان قشقایی، مدرس مشهور فلسفه بود.

فاطمه برخلاف رسم زمانه از پدرش خواست تا باسید ابراهیم طباطبایی از فضای زمان، ازدواج نماید که از این وصلت مبارک، میرسیدمحمد به دنیا آمد و خودش در خانه به آموزش فرزند پرداخت.

روزنامه‌هایی که برای حاکم اردستان فرستاده می‌شد به علت ارتباط خانوادگی به خانه سیدمحمد نیز می‌آمد و او با خواندن آنها و درک معانی با کمک مادر به تقلید از نوشته‌جات روزنامه می‌پرداخت به‌خصوص بنا به روایت خودشان روزنامه تربیت که توسط فروغی منتشر می‌شد در نوع نگارش ایشان و ادبیاتش تاثیر بسزایی داشت.

پس از جنگ جهانی اول، ایدی می‌انفلوآنزا(مش‌مشه) مثل خود جنگ به ایران رسید و در شهرهای مختلف مرگ و میر بسیاری را سبب شد. محیط طباطبایی با روزنامه دیواری، درباره این بیماری به مردم اطلاع‌رسانی کرد اما در یکی از همان روزها، خودش بیمار شده و چنان حالی می‌شود که به گفته حکیم، اگر یک شب دوام بیاورد زنده خواهدماند. مادرش تا صبح کنار بستر فرزند به پرستاری می‌پردازد. پدر خوشحال از زنده ماندن فرزندش ناگهان درمی‌یابد همان شب، مادر از دنیا رفته است. محیط طباطبایی با برونشیت مزمنی که یادگار آن بیماری بود ایام را می‌گذراند تا این که برای تحصیل به اصفهان می‌رود و در مدرسه کانسه‌سازان مقیم می‌شود و تحصیل پزشکی را کنار کار عملی در مطب یک پزشک برمی‌گزیند؛ رشته‌ای که با روحیه‌اش سازگاری نداشت. پس به تهران می‌رود تا به روزنامه‌نگاری بپردازد. نخستین مطبلش را توفیق چاپ کرد که آن زمان بیشتر به نشر اشعار مذهبی و دینی می‌پرداخت و بعد هانشربه‌ای فکاهی شد.

وی دیپلم دارالفنون را با رتبه اول می‌گیرد و دیپلمش را از عیسی صدیق اعلم دریافت می‌کند. پس از دیپلم از سوی وزارت معارف به عنوان مسئول آموزش خوزستان به اهواز می‌رود و طی سالیان، اساس آموزش را در آنجا پایه‌ریزی می‌کند.

در بازگشت به تهران همچنان روزنامه‌نگاری را پی می‌گیرد. اصرار او برای سامان دادن و گسترش فعالیت‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور منجر به راه‌اندازی واحدی به نام راینی فرهنگی زیر نظر وزارت معارف شد و وزیر وقت از خود محیط می‌خواهد به عنوان نخستین راینر فرهنگی، محل خود را مشخص کند و وی به علت شناخت کافی پیشنهاد می‌کند به هند و سیلان اعزام شود. سپس با استقرار در سوریه به گسترش فعالیت‌های فرهنگی ایران در جهان عرب (اردن، سوریه، حجاز، مصر و لبنان) اقدام می‌کند. محیط با پیشنهاد رادیو، برنامه مرزهای دانش را ۲۰سال تولید و پخش می‌کند. این شخصیت خودساخته و فرهیخته طی سالیان به تدریس و آموزش پرداخت و حوزه تدریس‌اش را به فضای ارتباط جمعی و کلاس درسش را در فضای عمومی قرارداد. از کتاب‌هایش می‌توان به تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران که نتیجه تدریس در مدرسه عالی مطبوعات بود، آنچه درباره حافظ باید دانست، تاریخ تطور حکومت در ایران بعد از اسلام، فردوسی و شاهنامه، از خیام تا خیامی و... اشاره کرد. سال ۱۳۶۰ به آموزش تاریخ در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد پرداخت که کتاب تطور حکومت در ایران حاصل آن دوران است. وی بیش از ۶۰۰مخترانی و ۲۰۰۰مقاله و رساله در دوران فعالیت حرفه‌ای پدید آورد. بیش از هرهیز شیوه و منش وی در زندگی و مواجهه با مسائل گوناگون اهمیت دارد. حفظ استقلال در سال‌های نویسندگی و تلاش برای ارتقای سطح فکری جامعه از ویژگی‌های چشمگیر محیط است. همیشه با آزاری می‌کرد نشر مطلب باید به سود ملت باشد. حقیقت را باید همیشه گفت به شکلی که مؤثر واقع شود.

* به قلم سید میراحمد محیط طباطبایی، فرزند ایشان